



از : سحر

حقوق زن

تأثیر انقلاب کبیر فرانسه در مبارزات زنان

نظریه ((روسو)) در باره حقوق زن

«نابلیون» دشمن زن!

مبارزات زنان اروپا و آمریکا برای «حق رأی»

حق تحصیل برای زنان در کشورهای :

- ۱ - سویس - اسکاتلند - هلند - بلژیک.
- ۲ - کشورهای لاتین، فرانسه - ایتالیا - اسپانیا - پرتغال.
- ۳ - آلمان و امپراطوری اطریش.
- ۴ - روسیه تزاری و کشورهای اسلاو.

در مقاله پیش گفتیم رنسانس ایتالیا و انقلاب صنعتی انگلیس زنان را در وضع بهتری قرار داد. رنسانس بر ارزش معنوی زنان افزود و انقلاب صنعتی امتیاز برتری نیروی جسمی مرد را ناچیز کرد. این دو حادثه تاریخی با فاصله سه قرن فکرمسای بودن زن و مرد را بتدریج در مغز زنان پرورد. منتها انگیزه دیگری لازم بود تا زنان باشجاعت و پی گیری که لازمه هر مبارزه است، بمیدان عمل کشیده شوند. اواخر قرن هیجده شعله های انقلاب کبیر فرانسه فروزان گشت و همداری بزنان داد. ایدئولوژی انقلابی از حقوق طبیعی الهام میگرفت. حقوقی که بر مبنای «عقل و منطق» استوار بود. اصول انقلاب حکایت از آن داشت که کلیه افراد صرف نظر از رنگ، عقیده و جنس برابرند. افراد بشر باید از آزادیهای که امروزه (کم و بیش) در کلیه قوانین اساسی جهان پذیرفته شده است برخوردار باشند. این اصول بسرعت در میان مردم سایر کشورها گسترش یافت. انقلابیون در سراسر جهان با پشت کار بتبلیغ پرداختند. ستم دیدگان انقلاب را سمبل آمال و آرزوهای خویش می پنداشتند. زنان که فریادشان سه قرن با بی اعتنائی و خود خواهی مردان مواجه شده بود با سایر انقلابیون هم آواز شدند و برابری خود را با مردان اعلام داشتند.

تحت تأثیر انقلاب فرانسه در انگلستان خانم Mary wollstonecraft «ولستون کرافت» در سال ۱۷۹۲ اعلامیه ای بصورت جزوه در پشتیبانی از حقوق زنان منتشر کرد. این اعلامیه در بدو انتشار باپوزخند تمسخر آمیز و بی اعتنائی مردان محافظه کار انگلیس

روبرو شد. مردان انگلیسی در لیاقت زنان تردید داشتند، مگر نه اینکه قرن‌ها زن برده مرد بود و ضعیفتر از او! انقلاب فرانسه بنظر ایشان چیز را عوض نکرده بود خاصه که اکثر نویسندگان وقت انگلیس، انقلاب را تخطئه کردند و جنبه‌های منفی آنرا با آب و تاب با اطلاع مردم انگلیس رساندند ولی تاریخ نشان داد که اعلامیه خانم مذکور بمثابه آغاز دوره جدیدی در زندگی زنان انگلیس و جهان بود.

همانسال در برلن تئودور هپل اعلامیه مشابهی انتشار داد. در فرانسه condercet «کندرسه» یکسال بعد یعنی در سال ۱۷۹۳ درخواست کرد بزنان حقوق سیاسی داده شود. انتشار سریع و غیرمنتظره افکار انقلابی و آزادیخواهی در اروپا و استقبال بی سابقه مردم از اصول انقلاب موجب وحشت طبقات حاکمه شد. استرداد سلاطین بخطر افتاده بود لذا با شتاب دست بکار شدند و آزادیخواهان را تحت تعقیب قرار دادند. نظامیان، سیاستمداران حرفه‌ای، کشیشها و سایر طبقات ممتاز دست بدست هم دادند و انقلاب را با ضدانقلاب کوبیدند. قدرت اهریمنی کلیسیا را رنسانس درهم شکسته بود لذا یگانه مانع وسد در برابر آزادی خواهان دولتهای ارتجاعی وقت بود. اجتناق بر سراسر اروپا حکمفرما گشت. بنظر میرسد مساله آزادی زنان مدتها بتعویق افتاده است.

در خود فرانسه مهد انقلاب، نظریات روسو درباره زنان رهبران انقلاب را سخت تحت تأثیر داشت. روسو بر آن بود که زن باید همسر خوبی برای شوهرش باشد و اگر هم تحصیلاتی میکند برای آنست که در «خانه» و سائل آسایش شوهرش را بهتر فراهم کند. پس بنظر آقای روسو در خارج از خانه و خانواده، زن کاری ندارد که انجام دهد. حقیقت تلخی است اما باید پذیرفت که عمیقترین و نیز مهم‌ترین نظرات فلسفی را بزرگان جهان اظهار کرده‌اند پیش از روسو، ارسطو با ایمان راسخی از بردگی دفاع کرد و آنرا برای جامعه انسانی لازم و اجتناب ناپذیر دانست.

رهبران واقعی خرد و اندیشه کسانی هستند که بتوانند دوران تعصبات و افکار متداول زمان خود، آینده را بنگرند و پیش بینی کنند و چند قدمی از اجتماع جلو تر باشند نه آنکه مانند افراد عادی اسیر عقاید رایج جامعه اطراف خود باشند. روسو انقلاب را سالها پیش از وقوع آن دید و غذای ایدئولوژیک آنرا پخت و بهمین جهت از نظر انقلابیون افکارش ارزش آن داشت که یکجا پذیرفته شود. ولی اکنون دیگر کاملاً مسلم گشته که روسو درباره زن دچار اشتباه بود. روسو نتوانست خود را از بند تعلیمات غلطی که با او آموخته بودند برهاند. نظر روسو درباره زنان سالها بر مغز و روح زمامداران فرانسه چیره بود، بی جهت نیست که زنان فرانسوی تا سال ۱۹۴۴ نتوانستند بحقوق سیاسی خود برسند در حالیکه زنان نیوزلند نیم قرن پیش از آن حق رأی یافته بودند. نخستین عکس‌العمل سران انقلاب در برابر پیشنهاد کندرسه، این بود که در سال ۱۷۹۵ ضمن اعلامیه‌ای زنان را از دخالت در سیاست بر حذر داشتند. هنگامیکه هفت سال بعد ناپلئون زمام امور را در دست گرفت وضع زنان وخیم تر گشت. ناپلئون معتقد بود خانه پادگانی است و مرد فرمانده آن، زن و فرزندان چون سربازان ناگزیر از اطاعت بی چون و چرای فرمانده خود هستند. ناپلئون زن را عنصری ماجراجو و قتنه‌انگیز می‌شناخت و بهمین جهت اعلام داشت زنان هیچوجه حق دخالت در سیاست

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی